

سخن سردبیر

بم رفت و غم آمد

خیلی دلمان می‌خواست بجای عبارت «بم رفت و غم آمد» می‌توانستیم بگوئیم بم آمد. شادی آمد. نشاط آمد. ولی این زمین‌لرزه ویرانگر تمام واژه‌های مثبت و شادی آفرین را به واژه‌های منفی و غم‌انگیز تبدیل کرد.

همه چیز در سپیده دم روز جمعه ۸۲/۱۰/۵ روی داد و در چند ثانیه شهر زیبای بم با ارگ دل‌انگیزش با خاک یکسان شد و شمار زیادی از هم‌وطنانمان زیر آوارها جان باختند و یک فاجعه تاریخی دیگر به فجایع لرزه‌خیزی کشورمان اضافه شد.

این اولین رویداد حزن‌انگیز و دلخراش ناشی از رویداد زمین‌لرزه در این سرزمین نیست و به طور یقین آخرین آن نیز نخواهد بود. از زمین‌لرزه تابستان ۱۳۴۱ بوئین زهرا تا زمین‌لرزه بم، این چندمین زمین‌لرزه بزرگ فاجعه‌آفرین در این مملکت می‌باشد.

زمین‌لرزه‌های بوئین زهرا ۱۳۴۱، دشت بیاض ۱۳۴۷، قیرو کارزین ۱۳۵۰، طبس ۱۳۵۷، رودبار ۱۳۶۹، اردبیل ۱۳۷۵، بجنورد ۱۳۷۵، زیرکوه فائنات ۱۳۷۶ و استان‌های قزوین و همدان سال ۱۳۸۱ و همگی یادآور خاطرات تلخی هستند که مردم ما

بابت رویداد آنها تاوان گزافی پرداخته‌اند. نتیجه این که در طول حدود ۵۰ سال شاید بتوان ادعا کرد که بیش از ۱۰ زمین‌لرزه با بزرگای بیش از ۵/۵ در این سرزمین اتفاق افتاده که حاصل آنها ویرانی و نابودی بوده است.

اما سوال در این زمینه اینست که آیا نمی‌شد مانند سایر کشورهای زلزله‌خیز در این مدت فکری به حال این بی‌دفاعی و ناتوانی در مقابل این رویداد طبیعی نمود؟ با علم و آگاهی به این که سرزمین ما در کمربند کوهزایی آلپی قرار دارد و تمامی

کشورهای این کمربند همیشه در معرض چنین خطری هستند، آیا نمی‌شد بعد از زمین‌لرزه بوئین زهرا و طبس یا رودبار که در فواصل زمانی نسبتاً طولانی از یکدیگر نیز اتفاق افتاده‌اند، برای جلوگیری در تکرار فاجعه، فکری اساسی نمود؟

در جواب بایستی گفت 'چرا' می‌شد، ولی این که چرا نشد را می‌توان به وجود موارد فراوانی مربوط نمود که بحث در این کوتاه نمی‌گنجد و نیاز به بررسی‌های بسیار گسترده دارد. با نیم‌نگاهی به دیگر کشورهایی که گرفتار همین رویداد طبیعی

هستند، می‌بینیم که آنها با برنامه‌ریزی‌های اساسی و استفاده بهینه از توان علمی کارشناسی خود این مشکل را حل نموده و حالا در مقابل زمین‌لرزه‌ای با بزرگی بالا ۸ فقط چند تا ساختمان قدیمی و کهنه‌شان خراب می‌شود و تنها یک نفر آن هم در اثر

سکته قلبی ظاهراً از هول و هراس زمین‌لرزه جان می‌بازد و دیگر آب از آب تکان نمی‌خورد.

ژاپن از وقتی که زمین‌لرزه سال ۱۹۲۳ کوآتو را با ۱۴۳۰۰۰ کشته و آن همه ضایعاتش آزمود، دانست که این پدیده شوخی‌بردار نیست و اگر بخواهد دست رو دست بگذارد باید به امید معجزه باشد. باید سالی چند هزار نفر را با میلیاردها دلار

سرمایه از دست بدهد، که با یک تصمیم‌گیری به‌موقع و ایجاد یک مدیریت قوی به غائله خاتمه داد و حالا مردم دنیا فقط در تاریخ می‌خوانند که زمین‌لرزه در ژاپن فلان میزان زیانهای مالی و جانی وارد آورد. یا زمین‌لرزه سال ۱۹۰۶ سانفرانسیسکو به

آمریکائی‌ها فهماند که بایستی فکر چاره کنند که کردند و ساخت و سازها را طوری بنا کردند که دیگر زمین‌لرزه‌ها حرفی برای گفتن ندارند. راه دور نرویم همین سد سفیدرود خودمان که در زمین‌لرزه سال ۱۳۶۹ با بزرگی $Mw = 7/3$ در چند

کیلومتری کانون سطحی زمین‌لرزه قرار داشت به جز تعدادی ترکهای موئین که اهمیت چندانی ندارند، خسارت عمده‌ای نیافت، که در نوع خود شاهکار می‌باشد.

تمام حرف و حدیث‌های بالا حاکی از این است که متأسفانه هنوز سرزمین خودمان را نشناخته‌ایم و اگر شناخته‌ایم، واقعیت‌های مملوس آن را درک نکرده‌ایم. در این رابطه باید گفت دکتر مانوئل بربریان در گزارش‌های ۳۹ و ۴۰ سازمان زمین‌شناسی کشور گسل‌های فعال کواترنر را حدود ۳۵ سال پیش با ذکر شواهد و سوابق تاریخی و سده بیستم، آنها معرفی کرده بود ولی گوش شنوایی نبود که علاج واقعه قبل وقوع کند، نتیجه این که زمین‌لرزه‌های طبس، رودبار، قزوین و بالاخره بم روی می‌دهد و برای چندمین بار در طول نیم قرن بخشی از کشور با خاک یکسان می‌شود. مخلص کلام این که زمین‌لرزه و انواع دیگر رویدادهای طبیعی با توجه به موقعیت جغرافیایی و زمین‌شناسی این مملکت از سر ما دست‌بردار نیست و ما با همه توان باید با آن مبارزه کنیم.

این کار تنها با همدلی و همیاری همه دانش‌پژوهان در امر زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله و مسئولین ذیربط امکان‌پذیر خواهد بود